

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

صورتپرست

ای عمر رفته! باز نیائی به دست من
زین پس هر آنچه هست سر و برگ نیستیست
تصویر محو گشته در آئینه خودم
شصت و شکست آمد و تار نفس گسست
گردون به مدعای دل من، به من نساخت
با همت بلند به او پنجه می دهم
آن دوره یاد باد که بی چشم مست او
داد ای سپهر دون که در آئینه پروری
یک بوسه از لب تو کند دفع صد خمار
چون مرغ دام دیده پریدی ز شست من
ای دل مخور فریب ازین خیز و جست من
اینست مزد دیـــــده صورتپرست من
جز رشته ضعیف، مانده به شست من
کاری به من نکرد به غیر از شکست من
بود این چنین نصیب ز روز الست من
صدها خُم شراب، نمیکرد مست من
آئینه شکسته سپـــــردی به دست من
اینست آرزوی لب می پرست من

از هستیم «اسیر» چه میخواست روزگار؟

صد بار بهتر آنکه، نمیکرد هست من

(فرانکفورت، فبروری 2004 م)